

صدرالدین میرزایف

نگاهی به زندگینامه، آثار و افکار عرفانی صائن‌الدین خجندی

بر ادب‌پژوهان پوشیده نیست که زمام حکومت و ریاست مذهبی اصفهان طی مدت سه قرن در تسلط خاندان آل خجند قرار داشت و اشخاص دانش‌پرور آن با رسایل و کتب مرغوب خویش در ترویج و انتشار زبان و ادب فارسی و حکمت و فرهنگ اقوام آریایی نقش غیر قابل انکاری داشته‌اند که من بعد در آیینۀ تاریخ با عنوان خجندیان معرفت‌پرور معروف گشتند. طبق اخبار و اسناد سرچشمه‌های تاریخی و ادبی (۴،۱۸) این خاندان در عصر سلاجقه از خجند به اصفهان مهاجرت نموده، در خاک ایران تعلیم و تدریس کردند و در تاریخ و فرهنگ فارسی‌زبانان نقش منیر به یادگار گذاشتند.

یکی از شخصیت‌های معروف این خاندان صائن‌الدین علی ابن محمد ابن صدرالدین خجندی است که ارباب تحقیق برحق او را «اسپینوزای ایرانی» خوانده‌اند. وی یکی از دانشوران شهیر و متفکران مقتدر اواخر سده ۱۴ و نیمه اول سده ۱۵ بوده، تاکنون کارنامه علمی و ادبی این نویسنده معروف مستور مانده است، یا به طور شایسته معرفی نشده است. نویسندگان ترجمه احوال و تذکره‌ها (۹؛۶؛۴) راجع به تاریخ ولادت صائن‌الدین چیزی نگفته‌اند، اما خود او در رسالۀ «نفثه‌المصدر» که به سال ۱۴۲۶/۵۸۲۹ م خطاب به شاهرخ نوشته، روشن می‌کند که: «حال آن است که این فقیر را پنجاه و نه سال از عمر گذشته» (۱۹،۱۷۰) که با این حساب بر طبق این سند می‌توان گفت که سنۀ ولادت صائن‌الدین سال ۱۳۷۰/۵۷۷۰ م بوده است.

بنا به گفت خود صائن‌الدین وی مدت بیست و پنج سال از محضر برادر بزرگش که یگانه عصر خویش بود و ذکری از تاریخ ولادت و اسمش در

سرچشمه‌ها به میان نیامده است، به تحصیل علوم دینی پرداخته، در فقه و حدیث و تفسیر و اصول دین مهارت یافت.

وی به نیت حج شهر مکه را زیارت کرد، سپس بلاد روم، حجاز، مصر، شام و عراق را مدت پانزده سال سیر نمود که در این مسافرتها با بسیاری از عرفا و علمای این بلاد ملاقات نموده از مصاحبت و مجالس معنوی مولانا شمس‌الدین فناری و سراج‌الدین بلقینی کسب دانش کرده است. چنانکه از زبان خود صائن‌الدین منقول است: «بعد از آن از برای زیادتی علم ... به سفر رفت و پانزده سال دیگر در خدمت بزرگان دین که نشان یافته بود، به ریاضت و مجاهدت مشغول شد...» (۱۹، ۱۷۱).

خواجه صائن‌الدین پس از سیر و سلوک به اصفهان بازگشت و چند مدت با شاهزادگان تیموری: شاهرخ، پیرمحمد و میرزا اسکندر رابطه داشت. زمانی به استغفار روی آورد و انزوا اختیار کرد که خود او در این باب گوید: «باز این فقیر میل گوشه‌نشینی کرده، ترک مناسب و وظایف کرد به آرزوی آنکه روزی به قناعت و فراغت توان گذرانید که از روی تحقیق:

هر آنکه گنج قناعت به گنج دنیا داد

فروخت یوسف مصری به کمترین ثمنی (۱۹، ۲۰۴)

طبق اخبار و اسناد منابع ادبی و تاریخی (۱۳، ۲۲۶؛ ۱۳، ۲۶-۱، ۲۷) ۲۳ ربیع‌الآخری سال ۸۳۰ هـ/ ۲۲ ژانویه ۱۴۲۷ م درویش آواره‌گردی به نام احمد لر شاهرخ میرزا را در جوار مسجد جامع هرات مجروح ساخت. به دنبال این واقعه، گروهی از دانشمندان و عرفا به شرکت در این واقعه متهم شدند و از این میان، خواجه صائن‌الدین را نیز به همدستی با احمد لر متهم نمودند وی ابتدا زندانی و سپس به شهرهای همدان و تبریز و کردستان تبعید کردند (۸، ۶۵۴-۶۶۰). نویسنده در کتاب معروف خود «نقشه‌المصدور دوم» از این حال اظهار شگفتی می‌کند که: «یک صباح جمعی صلحا و عزیزان را طلبید (یعنی صائن‌الدین- ص.م.) و نسخه «صحیح بخاری» در میان نهاده و در کیفیت ختم آن جهت سلامتی از این واقعه مشورت می‌کند که

شخصی از قلعه رسید که ایلچی آمده است و به حضور شما احتیاج دارند جهت مشورتی ضرورت شد. روان شدن همان بود، دیگر نه خانه را دید و نه یاران و نه فرزندان و عیال، مگر به بدترین اوضاع و احوال...»

راجع به سال وفات صائن‌الدین نظرات مختلف است. خواندمیر تاریخ درگذشت او را سال ۸۳۰ هـ / ۱۴۲۷ م قید کرده است (۱۸، ۹-۱۰) که چندان صحیح نیست. زیرا حادثه احمد لُر در هرات با همین تاریخ درست می‌آید که در آن هنگام صائن‌الدین را به محبس گرفته بودند که پس از زندان وی با شاه‌رخ دیدار نموده، مدتی قاضی شهر نیشاپور هم برگزیده شده است.

اشتباه مؤلف «حبیب‌السیر» شاید از آنجا باشد که او سال حبس و مصادره مال و ملکش را به منزله تاریخ وفاتش پنداشته یا از آن ناشی باشد که در قرن نهم هجری سخنوری با تخلص «صائنی» نیز زیسته و او هم سنه ۸۳۰ هـ / ۱۴۲۷ م جهان را بدرود گفته است.

بعید نیست که خواندمیر سال درگذشت «صائنی» را به صائن‌الدین نسبت داده باشد، زیرا ایشان در یک زمان زندگی و ایجاد کرده‌اند و «صائنی» هم مانند صائن‌الدین مملکت مصر را سیر نموده، نام کاملش قوام‌الدین محمد است.

به گواهی حاجی خلیفه (۲۰، ۷۲-۷۴)، ذبیح‌الله صفا (۱۳، ۴۸۹-۹۱) و اکرم نعمتی (۱۴، ۱۱) سنه وفات صائن‌الدین به سال ۸۳۵ هـ / ۱۴۳۲ م اتفاق افتاده است. محققان محمدتقی بهار (۲، ۲۲۹)، لقمان بایمت‌اف (۳، ۳۵) و عبدالمنان نصرالدین (۱۲، ۱۲۸) درگذشت او را سال ۱۴۳۳ هـ / ۱۴۳۶ م ثبت کرده‌اند.

به هر حال بر مبنای اندیشه‌های ادب‌پژوهان مزبور می‌توان گفت که صائن‌الدین خجندی حدود سالهای ۸۳۵-۸۳۶ هـ / ۱۴۳۲-۳۳ م به سوی جهان باقی شتافته است. شاید سند دانشمندان گروه دوم که وفات صائن‌الدین را تاریخ ۱۴۳۳ هـ / ۱۴۳۶ م ذکر کرده‌اند، دقیق‌تر باشد و ما هم با این اندیشه موافق هستیم که نامبرده در سنه مذکور در شهر هرات چشم از جهان پوشیده است. زیرا محمدتقی بهار بر اساس یکی از قدیمترین نسخه‌های خطی که در اختیار

داشته، اشاره می‌کند که صائن‌الدین شش سال بعد از واقعه‌ی احمد لُر (بعد از سال ۸۳۰ هـ/۱۴۲۷ م) وفات کرده است (۲، ۲۲۹).

صائن‌الدین خجندی یکی از چهره‌های تابناک علم و فرهنگ تاجیکان است که از او آثار متعددی به زبانهای عربی و فارسی باقی مانده است.

ذبیح‌الله صفا در جلد ۴ «تاریخ ادبیات در ایران» از ۱۴ رساله‌ی عربی و فارسی صائن‌الدین یادآور شده، راجع به مهمترین آثار نویسنده اندیشه‌اش را به طور فشرده بیان داشته است: «صائن‌الدین علی آثار متعددی به پارسی و عربی دارد. مهمترین اثرش شرح «فصوص الحکم» است به عربی و از میان رسالات دیگرش به عربی رساله‌ی «التمهید فی شرح قواعد التوحید» در علم کلام و رساله‌ی «بسم‌الله» مهمتر است. وی چندین رساله و کتاب فارسی دارد مانند «شرح قصیده‌ی ابن فارض» به نثر آراسته‌ی مصنوع و کتاب «اسرار الصلاة» در مسائل عرفانی» (۱۳، ۴۸۹).

از فهرست آثاری که استاد صفا اشاره کرده است، کتاب «التمهید فی شرح قواعد التوحید» به تصحیح جلال‌الدین آشتیانی، «شرح قصیده‌ی نظم‌الدُر» ابن فارض و «عقل و عشق» با تحقیق اکرم جودی نعمتی (۱۴) در تهران منتشر شده‌اند.

گذشته از این «چهارده رساله‌ی فارسی» صائن‌الدین به کوشش سید موسوی بهیانی و سید ابراهیم دیباجی نشر شده است (۱۹).

محمدعلی مولوی فهرست ۳۱ رساله‌ی فارسی و ۱۱ اثر عربی صائن‌الدین را مرتب نموده که در زیر بیان می‌کنیم (۸، ۶۶۰).

آثار وی به زبان عربی به قرار ذیل است:

۱. «الرسالة الانزالیة» (در باره‌ی نزول قرآن)

۲. «الرسالة البائیة»

۳. «الرسالة المحمدیت»

۴. شرح «نظم‌الدُر» ابن فارض

۵. شرح «فصوص الحکم» ابن عربی

۶. رساله «بسمله»
۷. «مهر نبوت»
۸. «المناهج» (در علم منطق)
۹. «رسایل»
۱۰. «المفاحص»
۱۱. «التمهید فی شرح قواعد التوحید» (شرح «قواعد التوحید» صدرالدین محمد)

اثرهای فارسی صائین الدین:

۱. «اسرار الصلاة»
۲. اعتراف یا رساله اعتقاد
۳. ترجمه قصیده «نظم الدرر» ابن فارض
۴. «اطوار ثلاثه» (نیز ذیل عنوان اطوار ثلثه تصوف)
۵. «تحفة الآیه»
۶. «تصوف و حروف»
۷. «جامع اطوار علم الحروف»
۸. «خواص علم صرف»
۹. «رساله در حروف»
۱۰. «رساله در عرفان»
۱۱. رساله انجام (در تصوف)
۱۲. سلم دار السلام (در بیان احکام و ارکان ایمان)
۱۳. «سؤال الملوک»
۱۴. «شرح ابیاتی از ابن عربی»
۱۵. «شرح حدیث عمّا»
۱۶. «شرح گلشن راز»

۱۷. «شرح دو حدیث»
۱۸. «شرح رساله تجلی»
۱۹. «شرح «لمعات» عراقی»
۲۰. «رساله قابلیت»
۲۱. «رساله شق القمر»
۲۲. «رساله مبدأ و معاد»
۲۳. «رساله گنج بخش»
۲۴. «مدارج افهام الافواج فی تفسیر ثمانیه أزواج»
۲۵. «رساله «عقل و عشق» یا مناظرات خمس»
۲۶. «نفته المصدور اول و دوم»
۲۷. «مناظرات خمس»
۲۸. «مناظره رزم و بزم»
۲۹. نامه های صائِن الدین
۳۰. «نقطه. در معنی انا النقطه التي تحت الباء»
۳۱. «رساله گنج بخش»

راجع به فهرست آثار فارسی صائِن الدین که از جانب محمدعلی مولوی تهیه شده، باید گفت که سهواً یک رساله نویسنده با دو نام ثبت شده است. رساله «عقل و هوش یا مناظرات خمس» در مورد دیگر با نام «مناظرات خمس» اثر جداگانه معرفی شده است. هین آموزش حالنامه و میراث ادبی صائِن الدین معلوم گردید که نویسنده در رساله اش شرح «نظم الدرر» خواننده را به کتاب «مناظرات» («عقل و عشق») خبر می دهد. بنابر این رساله «عقل و عشق» در فهرست مذکور دو اثر جداگانه قید شده است. گذشته از این، دانشور مذکور دو رساله نویسنده را به حیث یک اثر قید کرده، یعنی «نفته المصدور اول و دوم».

وقتی در شهر هرات صائِن‌الدین را به فساد عقیده کافر اعلان می‌کنند، وی «نفثه‌المصدور اول» را برای میرزا شاهرخ در دفاع در برابر حاسدان نوشته است. در «نفثه‌المصدور دوم» نویسنده روایت سرگردانی خویش و متهم نمودن به واقعه احمد لر و جریان تبعید شدنش به شهرهای تبریز و کردستان را بیان کرده است. رساله «گنج‌بخش» نیز سهواً با یک نام دو مرتبه ذکر شده است. حاصل کلام آنکه اگر «عقل و عشق» و «مناظرات خمس» را به حیث یک رساله پذیریم، «نفثه‌المصدور اول و دوم» را دو کتاب مستقل قلمداد کنیم و رساله «گنج‌بخش» را در حکم یک اثر قید نماییم، می‌توان گفت که تعداد آثار فارسی صائِن‌الدین شامل ۳۰ رساله بوده است.

محمدتقی دانش‌پژوه ضمن معرفی نسخه‌های خطی در فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (۳، ۴۲۴) از صائِن‌الدین یادآور شده، در فهرست نسخ کرمانی دانشکده ادبیات تهران (ص ۶۴) از آثار او نام برده، در باره ۵۸ رساله فارسی و عربی نویسنده اطلاعاتی مفید داده است (۷، ۳۰۸-۱۲).

در کنار آثار صائِن‌الدین که از معلومات محمدعلی مولوی آوردیم، محمدتقی دانش‌پژوه اثرهای «اختصاص الخواصی فی علم الجفر»، «سال نصیرالدین طوسی فی مکتوب عن صدرالدین قونوی»، «المنزلت الحضرت الختمیه»، «الاربعینیه» (به زبان عربی)، «شعرهای فارسی صائِن‌الدین»، مکاتیب «به امیر علاء‌الدین»، «مکتوب او به بایسنقر»، «ترجمه احادیث ممزوج با سخنان علی (ع) و ائمه» و غیره که در مجموع ۶۱ اثر را تشکیل می‌دهد.

تعداد آثار فارسی و عربی صائِن‌الدین در منابع و کتب ادبی به قرار ذیل است:

۱. در کتاب «تاریخ ادبیات در ایران» صفا یک بیت عربی ثبت شده است (۱۳، ۷۲)
۲. پرفسور عبدالمنان نصرالدین در تذکره «دانشمندان و سخن‌سرایان خجند» از دو رساله او «عقل و عشق» و «اطوار ثلاثه» چند رباعی و قطعات فارسی برگزیده است که در مجموع شامل ۲۱ بیت می‌باشد (۱۲، ۱۲۸-۲۹)

تا تو از هستی خود خود را نگردانی جدا

هودج جان چون نهی در بارگاه کبریا؟ (۱۴، ۴۵)

«از هستی جدا گردیدن» کنایه از کشتن نفس است که در طریقت سنگین‌ترین حال است برای صوفی. چون صوفی «نفس» را غلام کرد، پرده میان او و معشوق برداشته می‌شود و هرچه می‌آید در نظرش جمال معبود است. از مضمون اشعار وی روشن می‌شود که بیشتر از افکار و مضامین نظامی گنجوی، عمر خیام و اوحدی مراغه‌ای پیروی کرده است.

لازم به یادآوری است که صائن‌الدین مترجم قابلی هم بوده و این کار را بسیار ماهرانه انجام داده است. شرح «فصوص‌الحکم» ابن عربی، «نظم‌الدور» ابن فارض، «التمهید فی شرح قواعد‌التوحید» (شرح «قواعد‌التوحید» نیای خویش صدرالدین محمد) نمونه‌ای از این آثار است. همچنین در علوم منطق، حروف و تفسیر به زبان عربی چند رساله به میراث مانده که تعداد آنها ۱۷ رساله است.

اشعار عربی صائن‌الدین در کمال ظرافت و سادگی بیان شده است. محتوای اشعار عربی او اکثر راز و نیاز عاشق نسبت به معشوق، توحید الهی و لبریز از یافته‌های وحدت وجودی است. از مضامین اشعار عربی شاعر پیداست که بسیاری از شعرهای خود را در حال جذب سروده است. شور و سوز و درد و گداز عاشق نسبت به معشوق با صنایع بلند شعری و در نهایت اوج بیان شده است.

از مندرجات و مضامین اشعار عربی وی پیداست که بیشتر سبک بیان مثنوی و ابن فارض مصری را پیروی کرده که هر دو از شاعران پیشگام ادبیات عربی هستند. بویژه ابن فارض که به اندیشه بعضی محققین تسلط او در شعر عرفانی چنان است که در ادبیات فارسی تنها با اشعار عرفانی حافظ قابل مقایسه است (۱۱، ۱۰۲).

اشعار صائن‌الدین هرچند از جهت مقدار اندک است، اما از لحاظ منطق و کمال بلاغت و ظرافت در تاریخ ادب فارسی تاجیکی مقام چشمگیر داراست و آن اشعار برای شاعران سرمشق بوده‌اند.

۱. محقق: «محقق» در لغت به معنی تحقیق کننده اهل تحقیق، جوینده حقیقت. «از دیدگاه تصوف محقق عارف است» (۱۶، ۸۰۰). مؤلف رساله صدر آیه مذکور را مشتمل به طریق محققان می‌داند و به اتفاق او محقق کسی است که در عجز و انکسار عمر به سر برد. تزکیه و تصفیة نفس نموده، از لذتهای نفسی مثل شکوه و عظمت و قدرت و جاه بی‌نصیب گردد و دلیل «موتوا قبل ان تموت» باشد. این طایفه از مرتبه استدلال و برهان گذشته، به کشف الهی رسیده‌اند، نزد ایشان حقیقت هستی - حقیقت خداوند است. یعنی «همه اوست» که غیر «او» چیزی نیست. هیچ مراتب بلند و درجات ارجمند به مرتبه محقق نمی‌تواند رسید و از دیدگاه صائِن‌الدین افراد عالی آن محی‌الدین ابن عربی است که بر فراز تحقیق او را «امام‌المحققین» لقب داده است.

۲. طریقه دوم «ابرار» است که در فرهنگها به معنی «نیکان، خوبان» آمده است. به اندیشه صائِن‌الدین، نجم‌الدین کبری خوارزمی (متوفی ۶۱۶ هـ / ۱۲۲۰) بدین طریق منسوب است که مضمون «و مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ» در آیه مذکور اشاره به آن است. از نظر مؤلف رساله، این قبیل عرفا در سیر مقامات چون صبر، توکل و رضا باید تبدیل اخلاق کنند و در امارت باطن بکوشند.

از موارد استعمال کلمه «ابرار» چنین برمی‌آید که اصلاً تعبیر قرآنی بوده و خداوند هفت مرتبه در قرآن عظیم‌الشأن از اعمال نیک و مراتب ارجمند ایشان یاد کرده است. به طور نمونه: «و تَوْفَنَا مَعَ الْاَبْرَارِ» (و ما را با نیکان بمیران، آیه ۱۹۳، سوره آل عمران). «اِنَّ الْاَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ» (هر آینه نیکوکاران در نعمتند، آیه ۱۳، سوره انفطار) (۱۷، ۱۲).

۳. طریقت سوم «اخیار» که مضمون «سابق بالخیرات» مشتمل به این طریق است. حاصل سخن صائِن‌الدین را نسبت به این قبیل عرفا می‌توان چنین تقریر کرد که اخیار به اعمال و افعال پسندیده چون صلوات نوافل، روزه تطوع و تلاوت

اگر به تاریخ عرفان نظری ژرف بنگریم، می‌بینیم که معرفت و علم یقین یکی از عناصر اصلی عرفان است که پای‌بست آن در زمینه افکار و اندیشه‌های ذوالنون مصری (۷۹۶-۸۵۸/۶۰) به وجود آمده و سپس در اقوال عرفا و نظم صوفیانه خیلی وسعت یافت. صائن‌الدین نیز در مسئله معرفت و علم یقین بی‌طرف نبوده، طبق بینش او یقین علم باطنی و حصول معرفت حق است که به وسیله «دل» دست دهد. به قول صائن‌الدین و دیگر محققین نظری عرفا نیز والاترین مرتبه در معرفت «حق‌الیقین» است. زیرا عارف در این مقام از مرتبه شریعت و طریقت به مرتبه نهایی معرفت الهی مشرف می‌گردد.

ثانیاً در این مرتبه، نفس غلام عارف است، یعنی نفس را کشته است، تنها نفس رحمانی عرض هستی می‌کند. به همین علت است که صائن‌الدین در مرتبه حق‌الیقین که آن را «عبودت» گوید، از نفس انسانی سخن نگفته است.

عارفان راجع به مضمون واژه یقین اندیشه‌های مختلف بیان کرده‌اند که سخن در این زمینه از حد این مقاله بیرون است. جالب است که «یقین» واژه قرآنی بوده، دوازده مرتبه در قرآن به معنی «درستی»، «سخن حق»، «باوری» و «مرگ» به کار رفته است (۱۷، ۴۱۱).

جای دیگر از رساله «عقل و عشق» می‌خوانیم که صائن‌الدین راه و اصولهای از بین رفتن موانع کمال انسانی و رسیدن به مقام فقر و فنا را در لباس رمز و با زیباترین طرز نگارش بیان کرده است. برای نمونه عین کلام مؤلف را می‌آوریم:

«داروغه درد که حکومت آن ولایت ابتدا بدو مَفَوَّض بود، دست تعدی و استیلا دراز کرد. حاکم حُزن «که سرخیل (سردار) سپاه سوز و آه است» خانه برانداز «و ابیضت عیناه» (چشمان او سفید گشت، سوره یوسف، آیت ۸۴) از راه رهاوی (نواهی از موسیقی به سرحد صماخ (درون گوش) فرو آمد و آتش تشویق در نهاد وهم نهاد. و امیر اشتیاق که هم‌عنان جنود فراق و هم‌خانه «و التفت الساق

از هرات تبعید نمایند. از جمله خواجه صائن‌الدین با این اتهام، نخست مال و اموالش مصادره، سپس به بلاد کردستان و تبریز و همدان تبعید کردند که علل ذیل را دارد:

- در عصر ۱۵ یا به تعبیر دیگر در زمان صائن‌الدین میان شریعت اسلام و اهل

عرفان تقابلهای فکری وجود داشت؛

- گرایش خاص صائن‌الدین به عرفان اسلامی و شرح کتاب «فصوص الحکم»

ابن عربی.

گذشته از آن که دیوان اشعار صائن‌الدین به زیور طبع آراسته نگردیده، جهان‌شناسی و کمالات هنری او نیز مورد پژوهش ادب‌پژوهان قرار نگرفته است، ولی ابیات پراکنده‌ای که در رسایل نثری او ثبت است، شاهد صادقی بر مهارت شاعری اوست که نمونه‌ای از این سروده‌ها در جای خود بیان گردید.

میراث علمی و ادبی صائن‌الدین بویژه رساله‌های «عقل و عشق» و «اطوار ثلاثه» جامع حکمت و عرفان اسلامی بوده، برای به عرصه عرفان و فلسفه وارد گردیدن یک مجموعه رسایل عرفانی زمینه‌های مناسب‌تری فراهم آورده‌اند و قدرت او را در تقریر مسایل عرفانی، مذهبی و عقلانی، با شیوه نثر فنی در زبان رمز و تمثیل نشان داده‌اند. نویسنده در بیان افکار و آرای خویش زبان حکیمانه و تحلیل منطقی را به کار برده، محک آثارش تحلیل و تفسیر شناخته‌های عقلانی و ذوق و وجد باطنی است که در انحصار احساس و ادراک عوام گنجایش ندارد و حقایق قرآنی، نکات تعلیمی، لطایف معانی در پرده‌ای از بدیع و رمز و تمثیل مستور است.

از دیدگاه صائن‌الدین، معرفت عرفانی و فلسفی دو مقوله متفاوت نیستند، بلکه هر یک در قلمرو خود دارای ارزشهای معنوی است و از ظهور تجلی برخوردارند. بنابراین این سالک نخست باید علوم عقلی و نظری، از جمله منطق را تحصیل نماید. از مجموع اندیشه‌های صائن‌الدین معلوم می‌شود که او علوم نظری و عقلی را به عنوان معیار تجارب عرفانی دانسته است. سخنور طریق طی سیر و سلوک را در تحصیل علوم «بحثی» و توأم با «ذوقی» توسعه داده و خود از نخستین دانشمندان است که در تلفیق حکمت مثنائی، اشراقی و عرفانی- اسلامی توفیق یافته است.

پی نوشتها:

۱. اعلاخان افصح‌زاد- ادبیات فارس و تاجیک در نیمه دوم عصر ۱۵. دوشنبه: دانش، ۱۹۸۷. - ۲۶۰ ص.
۲. محمدتقی بهار- سبک‌شناسی. جلد سوم. تهران، زوآر، ۱۳۸۱. ۴۴۰ ص.
۳. بایم‌تاف ل. - خجند در آئینه تاریخ // کیهان فرهنگی، شماره ۱۷۱. ص ۵۲-۵۵.
۴. محمد عوفی بخارایی - لب‌الالباب. از روی چاپ پرفسور ا. براون، با مقدمه و تعلیقات علامه محمد قزوینی، به کوشش محمد عباسی. - تهران ۱۳۶۱، ۹۵۹ ص.
۵. غلامرضا ستوده و باقر نجف‌زاده - تحمیدیه در ادب فارسی. - تهران، جلد دوم، بدون سال نشر. ۲۵۴ ص.
۶. دولتشاه سمرقندی - تذکره الشعراء، به اهتمام محمد عباسی. تهران، ۱۳۴۲.
۷. محمدتقی دانش‌پژوه - مجموعه رسایل خجندی // فرهنگ ایران‌زمین، ۱۳۴۵. جلد ۴، ص ۳۰۷-۳۱۲.
۸. محمدعلی مولوی - آل ترکه // دایره‌المعارف بزرگ اسلامی. - تهران، ۱۳۶۹، ۷۱۴ ص.
۹. میر ابوالطالب رضوی - چهارصد شاعر پارسی‌گوی. تهران، ۱۳۶۹. ۱۱۹۹ ص.
۱۰. مرتضی مطهری - آشنایی با علوم اسلامی. جلد دوم. - کلام، عرفان. حکمت عملی. - دوشنبه: رایزنی فرهنگی ج. ا. ایران در تاجیکستان، ۱۹۹۹، ۱۸۸ ص.
۱۱. مرتضی مطهری - عرفان حافظ، دوشنبه، رایزنی فرهنگی ج. ا. ایران در تاجیکستان، ۱۹۹۸، ۱۲۸ ص.
۱۲. عبدالمنان نصرالدین - دانشمندان و سخنسرایان خجند. - خجند، نور معرفت، ۲۰۰۳. ۴۲۴ ص.
۱۳. ذبیح‌الله صفا - تاریخ ادبیات در ایران و قلمرو زبان پارسی از پایان قرن هشتم تا اوایل قرن دهم هجری. - جلد ۴. تهران: مجید، ۱۳۷۳. - ۶۰۷ ص.
۱۴. صائن‌الدین علی ترکه - عقل و عشق یا مناظرات خمس، تصحیح و تحقیق اکرم جودی نعمتی. - تهران ۱۳۷۵. ۲۱۸ ص.
۱۵. صائن‌الدین علی ترکه - اطوار ثلاثه، تصحیح حسین داوودی، «معارف»، ۱۳۷۱، دوره نهم، شماره دوم، ص ۴۵-۷۷.
۱۶. فرهنگ زبان تاجیکی - جلد ۱. - مسکو: دایره‌المعارف شوروی (به زبان روسی)، ۱۹۶۹. - ۹۵۱ ص.
۱۷. کامران فانی، بهاء‌الدین خرمشاهی - فرهنگ موضوعی قرآن مجید. تهران، ۱۳۶۹، ۴۱۹ ص.
۱۸. خواندمیر - تاریخ «حبیب‌السیر». در چهار جلد. جلد چهارم. تهران، ۱۳۶۲. - ۷۹۶ ص.
۱۹. چهارده رساله فارسی از صائن‌الدین علی ابن محمد ترکه اصفهانی، به تصحیح دکتر سید علی موسوی بهبهانی و سید ابراهیمی دیباجی. - تهران ۱۳۵۱. - ۳۸۶ ص.
۲۰. حاجی خلیفه - کشف الظنون. جلد دوم. استانبول، ۱۳۱۰. - ۶۲۲ ص.